

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۹۹۳۶۲۷۰ •
نمبر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۹ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: مصیم
تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

شنبه ۴ تیر ۱۴۰۱ • ۲۵ ذی‌القعده ۱۴۴۳ • ۲۵ ژوئن ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۳۱۱ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۷ • اذان مغرب ۲۰:۴۵
اذان صبح فردا ۴:۰۲ • طلوع آفتاب ۵:۵۰

شرق

دیالوگ روز

لیلا - داریوش مهرجویی - ۱۳۷۵

لیلا (لیلا حاتمی): ته دلم به خودم می‌کم اگه رضا دوستم داشته باشه،

یه زن دیگه براش مهم نیست. فقط بهش یه بچه میده. فرقی نکرده عشقمون سر جاشه...

تازه می‌بینم آدم ققدر می‌تونه یکی رو دوست داشته باشه.

حالا می‌فهمم که عشقم می‌تونه مثل یه موجود زنده رشد کنه. بزرگ بشه...



کافه؛ مدرسه زیست اجتماعی



زهرا نژادبهرام

پنج‌ره شهر

یکی از نمادهای زندگی جدید شهری کافه‌نشینی است. این موضوع در حال حاضر پدیده‌ای رایج در سرتاسر دنیاست و شهرهای زیادی به خاطر فضای کافه‌ای‌شان مورد توجه بودند و اصلا به این ویژگی شناخته می‌شدند. این مسئله جدید و البته در زندگی ایرانی‌ها چندان هم تازه نیست؛ چراکه ما در فرهنگ خردمان قهوه‌خانه‌ها را داشتیم که محلی برای تجمع، گفت‌وگو و معاشرت بودند. برای همین مواجهه ما با کافه نه صرفا مواجهه با یک پدیده مدرن، بلکه رویارویی با خرده‌فرهنگی است که در تاریخ ما وجود داشته. همان‌گونه که قهوه‌خانه‌ها در گذشته جایی بود برای رفع خستگی روزانه، کافه‌های امروز هم چنین کارکردی دارند؛ با جایی برای معاشرت و صحبت از زندگی روزمره، رویدادهای سیاسی و اجتماعی و هر چیزی که فصل مشترک جامعه شهری است. کافه‌ها بسترهایی است که فرصت معاشرت و گفت‌وگوی جمعی را برای شهروندان پدید می‌آورد. کافه‌گردی در ایران به‌ویژه در یک دهه گذشته به عنوان یک سبک زندگی شهری تعریف شده است. در گذشته تصور می‌شد بیشتر جوانان مخاطب کافه‌ها هستند ولی امروزه می‌توان گفت کافه‌ها به عنوان بخشی از فرهنگ عامه مردم تعریف می‌شوند و مردم فارغ از محدوده سنی‌شان در کافه‌ها وقت می‌گذرانند. کافه‌ها فقط جایی برای معاشرت نیستند. زندگی شلوغ شهری به خیلی‌ها فرصت تنهایی و تنهابودن را نمی‌دهد؛ کافه‌ها برای خیلی‌ها به معنی یک گوشه دنج و خلوت برای تنهایی است؛ آن فضایی که در خانه با محل کار نمی‌توانند پیداکنند و در گوشه کافه‌ای به آن دست پیدا می‌کنند. کافه‌ها هم مطابق سلیقه مشتری‌ها گونه‌های مختلفی را برای فضاسازی شهری انتخاب می‌کنند؛ از کافه‌گالری‌ها و کافه‌کتاب‌ها بگیرد تا کافه‌هایی که باقوت گروه‌های مختلفی هستند. این روزها دیگر می‌توان گفت کافه و کافه‌نشینی متعلق به یک طبقه خاص نیست و مثل قدیم نیست که در چند محله خاص کافه‌ای وجود داشته باشد. با توجه به تقاضای بالا برای حضور در چنین فضاهایی، حالا در هر جای شهر کافه‌های متنوع خوبی با فضاسازی مناسب می‌بینیم. همین تقاضای بالا نشان می‌دهد شهروندان به داشتن فضایی برای شکل‌دادن جمعی دوستانه علاقه دارند. آنها به دنبال محیطی امن، آرام و دلنشین هستند تا ساعتی از روزشان را در آن بگذرانند. یکی از ویژگی‌های کافه‌ها این است که افراد فارغ از جنسیت‌شان می‌توانند در آن حضور داشته باشند. شاید بتوان گفت که یکی از نقاط امن برای حضور زنان همین کافه‌هاست. با این حساب اگر بگوییم که کافه‌گردی برای زنان یک سبک زندگی جدید است، بیراه نگفته‌ایم. همچنین اگر بگوییم این خرده‌فرهنگ چیز چندان جدیدی نیست که اغلب در برابر آن گارد می‌گیرند بلکه موضوعی است که ریشه در فرهنگ و تاریخ ما دارد هم بیراه نگفته‌ایم. مهم‌تر اینکه کافه‌ها به شهروندان این فرصت را می‌دهند که تجارب جمعی خوبی را در مکانی امن داشته باشند. در یادداشت‌های قبلی گفتیم که شهرها برای اینکه عناصر هویتی پیدا کنند به فضاهایی خاص احتیاج دارند تا فرصتی را برای بروز و ظهور شهروندان پدید بیاورند. کافه یکی از این فضاهاست که به شهروندان این فرصت را می‌دهد تا تجربه خوبی از زندگی شهری داشته باشد. همچنین رهاشدن کافه‌ها از دست یک طبقه و گستردگی آن در سطح شهر موجب شده تا نگاه طبقه‌زده به این خرده‌فرهنگ هم برداشته شود و گاهی مردم در عمومی‌سازی آن برداشته شود؛ چراکه وقتی یک پدیده فرهنگی را می‌توان به عنوان بخشی از نماد هویتی یک شهر دانست که عمومیت پیدا کرده باشد و عامه مردم با آن در ارتباط باشند. به نظر می‌رسد کافه‌گردی علاوه بر اینکه می‌تواند فرصتی برای تعامل شهروندان ایجاد کند، بستری هم هست برای اجتماعی‌کردن شهروندان مزبور؛ افرادی که در تنهایی خود غرق شده‌اند و به کمک کافه و فضایی که کافه در اختیارشان قرار می‌دهد، می‌توانند به شهروندی اجتماعی تبدیل شوند و افکار خودشان را در معرض قضاوت دیگران قرار دهند. استقبال از کافه‌ها و کافه‌گردی یک خدمت مهم دیگر هم به شهر کرده است و آن تغییر کاربری خانه‌های قدیمی است. بسیاری از خانه‌های قدیمی که نمادی هویتی از شهر بودند و در سال‌های گذشته تخریب می‌شدند، حالا با تغییر کاربری به کافه تبدیل شده‌اند. این تقاضای زیاد موجب شده تا خیلی از خانه‌ها حفظ شوند و از جنگال تخریب در امان بمانند. همچنین درهایشان رو به شهروندان باز شود تا همه از زیبایی‌های آنها بهره ببرند. کوتاه سخن اینکه کافه‌ها مدرسه زیست اجتماعی در شهرها هستند. کافه فرصتی است برای تعامل اجتماعی و بستری است برای عبور از تنهایی‌ها و گرفتن انرژی مجدد برای زیست پربار شهری. تغییراتی در سبک زندگی افراد شکل گرفته و کافه‌گردی یکی از نمادهای این تغییرات است. تغییر اجتماعی که ریشه‌ای هم در گذشته فرهنگی ما دارد.

گیسو فغفوری؛ یک سال از شروع

فعالیت کابینه سیزدهم می‌گذرد. در بین حرف‌ها و سخنان مسئولان و نزدیکانشان در دو، سه هفته گذشته به نظر می‌رسد باید منتظر شرایط خاصی در عرصه سینما و رسانه‌های تصویری باشیم.

پناهیان سیاست‌های جدید سینما را اعلام کرد؟

در این دوره انتظارات مختلفی از سینما وجود دارد؛ مثل سخنان مدیر روابط عمومی سازمان سینمایی که اعلام کرده بود: «ممنوع‌الکاری نوید محمدزاده و فرشته حسینی مطالبه مردم است» که البته منظورش بخشی از مردم بوده است. اما با نگاهی به برخی سخنان مطرح‌شده درباره سینما انتظارات متنوع است. می‌توان به نکرش و درخواست‌هایی که از سوی حجت‌الاسلام علیرضا پناهیان مطرح شده نیز اشاره کرد؛ سخنانی که بیشتر شبه‌سیاست‌گذاری دارد. به گزارش ایرنا او که در همایش هم‌گرایی مبلغان دغدغه‌مند در تحول تبلیغ بر اساس نیازهای جامعه، در سالن بیداری جامعه‌الزها صحبت می‌کرد، گفت: «همه چیز به نفع تبلیغ است. با کمترین کار می‌توانیم کار بزرگی کنیم و اگر در امر تبلیغ موفقیت نداریم، نشان از برنامه‌ریزی نداشتن و تحول در امر تبلیغ است. اگر بخواهیم در امر تبلیغ موفق باشیم، باید برنامه‌های بلندمدت داشته باشیم و ارائه دهیم». از منظر او سینما می‌تواند در این زمینه به عنوان ابزار عمل کند و البته او از منظری دیگر نیز به سینما می‌نگرد و معتقد است: «امروز هر اشکالی در سینماست، به امر تبلیغ ما حوزویان مرتبط

همسایه‌ها

زمین‌لرزه‌ای که هزار جان را گرفت



نفیس بهار

روزنامه‌نگار از افغانستان

زمین‌لرزه در ولایت‌های پکتیا، خوست و ننگرهار در باسداد روز (چهارشنبه، ۱ تیر/ سرطان) رخ داد. پس از وقوع این زمین‌لرزه آمارهای ضدونقیض زیادی از شمار قربانیان حادثه ارائه شده است. وزارت دولت در امور رسیدگی به حوادث طبیعی طالبان پس از ساعاتی تعداد جان‌باختگان را ۹۲۰ نفر و تعداد زخمیان حادثه را بیشتر از ۶۰۰ نفر اعلان کرده‌اند. با این حال طالبان محلی در ولایت پکتیا تنها در دو ولسوالی برمل و گیان تعداد کشته‌شده‌ها را هزار نفر و تعداد زخمیان حادثه را بیش از هزار و ۵۰۰ نفر عنوان کرده است. محمدامین حذیفه، رئیس اطلاعات و فرهنگ طالبان در ولایت پکتیا، با تأیید این آمار از بلندرفتن احتمالی شمار قربانیان حادثه خبر داده و گفته است کوشش‌ها جهت جست‌وجو و اواربرداری در ولایت مذکور جریان دارد. وی می‌گوید «تعداد نامعلومی از افراد که امکان دارد تعدادشان به صدها نفر برسد هنوز زیر آوار گیر مانده‌اند.» ارقام ذکرشده از شمار قربانیان حادثه توسط مقامات طالبان، تاکنون از طرف هیچ مرجع مستقل تأیید نشده اما برخلاف آمار ارائه‌شده توسط طالبان، سازمان‌های امدادرسان بین‌المللی شمار جان‌باختگان زلزله را تا پایان روز چهارشنبه ۴۱۴ نفر و زخمیان را بیش از ۶۰۰ نفر به ثبت رسانده‌اند. با این حال شرف‌الدین مسلم معین وزارت دولت در امور رسیدگی به حوادث طبیعی در یک کنفرانس خبری پس از چاشنت روز چهارشنبه با تأیید آمار ارائه‌شده توسط طالبان، گفت هزاران منزل مسکونی و حتی چندین قریه در پی این حادثه به صورت کامل تخریب شده است.



است، هر کارگردانی که فیلم می‌سازد باید کاری کنیم مسائل از حوزه بگیرد. اما ما چه کار کردیم؟ اگر می‌گویید فیلم خوب ساخته نمی‌شود، چون توانسته‌ایم با کارگردانان ارتباط برقرار کنیم. اگر فیلم خوبی ساخته نشده، نخستین نقص آن به حوزه ربط دارد. ما باید برویم سراغ کارگردانان و نباید انتظار داشته باشیم آنها به سراغ ما بیایند.»

حذف در سینما

اما سؤال اینجاست که چرا چنین درخواست‌ها و مطالبه‌هایی از سینما می‌شود؟ این را می‌توان به نحوه برخورد عتاب‌آمیز و تنبیه‌گرای مسئولان دولت در عرصه فرهنگ و سینما دانست. مسئولانی که بیشتر به ناپایدها اشاره دارند تا چگونه خلق‌کردن و تولیدکردن. ایرنا (خبرگزاری دولت) گزارشی درباره وعده‌های محقق‌شده در یک سالگی دولت منتشر کرده که در هیچ‌کدام از بخش‌های آن اشاره‌ای به فرهنگ نشده بود. یعنی حتی یکی از اهداف مطرح‌شده ربطی به فرهنگ نداشته است. با این حال می‌توان به اوضاع سینما در این مدت نگاهی داشت و چارچوب‌های پنهان آن را مورد ارزیابی قرار داد. آن‌طور که خبرگزاری مهر به مقایسه روند اعطای مجوز ساخت فیلم پرداخته، مشخص می‌شود که تعداد مجوزهای صادرشده به کمترین میزان خود رسیده است. در بخشی از گزارش خبرگزاری مهر می‌خوانیم: «محمد خزاعی ۷ مهر ۱۴۰۰ بر کرسی ریاست سازمان سینمایی تکیه زد، در این هشت ماهی که خزاعی سکان هدایت این سازمان را بر عهده گرفته، ۲۷ پروانه ساخت صادر شده است. اگر بخواهیم مقایسه‌های کوتاه‌با زمان حسین انتظامی رئیس پیشین این سازمان تصمیم‌گیر داشته باشیم، طبق آمارها در مدت مشابه و هشت ماه ابتدایی ریاست او بالغ بر ۱۲۱ مجوز ساخت سینمایی صادر شده بود.» دلیل این روند قطره‌چکانی نیز «حرکت در جهت اعتلای تولیدات سینمای ایران و اجتناب

سیاست‌های درخواستی پناهیان از سینما

از افتادن در ورطه ابتذال» دانسته شده است. حال باید دید این روند چه تأثیری بر وضعیت سینمای ایران که با قهر مخاطب روبه‌رو است، می‌گذارد.
جشنواره فیلم فجر با جشنواره فیلم‌های اوج؟
با این روند به نظر می‌رسد در جشنواره فیلم فجر که به عنوان سال نو سینمای ایران شناخته می‌شود، با اتفاقات متفاوتی روبه‌رو شویم. حتی شاید باید آن را نام‌گذاری جدید کنیم؛ چراکه کمتر از هشت ماه به برپایی آن مانده و به نظر می‌رسد نباید چندان امیدي به دیدن آثاری از تهیه‌کنندگان مستقل و باسابقه در جشنواره داشت. با مروری بر اسامی تهیه‌کنندگانی که مجوز گرفته‌اند انکار نهادها و ارگان‌ها قرار است بیش از هر زمان دیگری مسئولیت تولید فیلم را بر عهده بگیرند؛ آن‌طور که سازمان سینمایی اوج وعده داده است حداقل ۱۰ فیلم تا زمان جشنواره فیلم فجر را آماده می‌کند.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در آخرین سخنان خود از مسئولیت فراقبی برای تولید پنج فیلم فاخر خبر داد. هرچند به نظر می‌رسد مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی، «مهدی جوادی»، علاقه‌اش فقط دیدار و گفت‌وگو با مسئولان است؛ ازجمله اسفندماه سال گذشته که با درباردار حبیب‌الله سیاری رئیس ستاد و معاون هماهنگ‌کننده ارتش و امیر سرتیپ کیومرث حیدری فرمانده نیروی زمینی ارتش دیدار کرد و از توافق بر سر ساخت یک پروژه دریامحور خبر داد. با توجه به اینکه از ۲۰۰ فیلم تولیدشده و پشت خط اکران مانده در سال گذشته خبری در جشنواره فیلم فجر نبود، پس نباید انتظار داشت امسال نیز این آثار جایی در جشنواره فیلم فجر داشته باشند. به نظر می‌رسد حتی اگر فراقبی هم نتواند وعده ارشاد برای ساخت پنج فیلم سینمایی فاخر توسط بنیاد فارابی را عملی کند، باید جشنواره فیلم فجر را جشنواره فیلم اوج و حوزه هنری دانست.



• آیین افتتاحیه جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان با حضور گسترده مردم در محدوده پیاده‌راه بوعلی شهر همدان برگزار شد. عکس: رضا زنگنه، میرزا

زمین‌خوانی

زلزله در افغانستان تاب‌آوری کم، تلفات بالا



مهدی زارع

زمین‌لرزه‌ای به بزرگی ۵٫۹ در ۴۶کیلومتری خوست افغانستان در بامداد اول تیرماه (سرطان) ۱۴۰۱ در ساعت ۱:۲۴ بامداد به وقت محلی (۲۱ ژوئن ۲۰۰۲ ساعت ۲:۰۵:۵۴ UTC) در ژرفای ۱۰-کیلومتری رخ داده است. تلفات و آسیب‌های شدید در پهنه رومرکزگی گزارش شده است. خبرگزاری‌ها تر ساز دوم بعد از سانحه از کشته‌شدن بیش از هزار و ۵۰۰ نفر خبر دادند. تاب‌آوری در افغانستان چنان کم و آسیب‌پذیری چنان بالاست که رخداد زمین‌لرزه‌ای شدید می‌تواند چنان پرتلفات باشد. تازه بخت خوب افغانستانی‌ها آن بوده که کانون زلزله مذکور در پهنه‌ای جمعیتی یک شهر قرار نداشته، در آن صورت می‌توانستیم انتظار تلفات بیش از صد هزار نفر هم با چنین زلزله‌ای در افغانستان داشته باشیم؛ این زمین‌لرزه کم‌ژرفا به دلیل جنبایی گسلش امتدادلغز با راستای شمال‌شرق-جنوب‌غرب (به احتمال زیاد گسل گردیز -Gardez- با سازوکار امتدادلغز چپگرد) اتفاق افتاد که در ناحیه مرز ورقه‌ای بین ورقه‌های اوراسیا و هند، در امتداد حاشیه غربی قلات تبت در گذشته زمین‌لرزه‌های بزرگ و مخربی را تجربه کرده است. انتظار می‌رود با انتشار اطلاعات از روستاهای دورافتاده کوهستانی، تعداد تلفات افزایش یابد. عکس‌های رسانه‌های افغانستان نشان می‌دهد پس از زلزله خانه‌ها به آوار تبدیل شده و اجساد پوشیده‌شده در پتو روی زمین افتاده است. به گفته کارکن بهداشتی و امدادی، تعداد نامعلومی از مردم زیر آوار و در مناطق دورافتاده مانده‌اند، و عملیات نجات به دلیل شرایط سخت ازجمله باران شدید، زمین‌لغزش و بسیاری از روستاها که در مناطق صعب‌العبور قرار گرفته‌اند، پیچیده شده است. گزارش شده است که تیم‌های امدادی امارت اسلامی با کمک مردم محلی در تلاش برای بیرون آوردن کشته‌ها و مجروحان هستند. راه‌اندازی یک عملیات نجات. آزمون بزرگی برای مقامات تندرو اسلام‌گرای طالبان است که در مرداد ۱۴۰۰ پس از دو دهه جنگ، کشور را تصرف کردند و به دلیل تحریم‌ها از کمک‌های بین‌المللی زیادی محروم شده‌اند. وزارت دفاع تحت رهبری طالبان تلاش‌های امداد و نجات را رهبری می‌کند. جاده‌ها حتی در بهترین زمان‌ها خراب‌اند، بنابراین اجرای عملیات بشردوستانه به دلیل عدم دسترسی آسان به منطقه بلافاصله با چالش مواجه است. باران همرا با زلزله خطر بیشتری به‌ویژه در زمین‌لغزش ایجاد می‌کند. زمین‌لرزه چهارشنبه مرکباترین زمین‌لرزه در افغانستان از سال ۲۰۰۲ بوده است. این زمین‌لرزه در حدود ۴۴کیلومتری جنوب‌شرقی شهر خوست، نزدیک مرز با پاکستان رخ داد. مرکز لرزه‌نگاری اروپا و مدیترانه (EMSC) فرانسه اعلام کرد این زلزله توسط حدود ۱۱۹ میلیون نفر در پاکستان، افغانستان و هند احساس شده است. EMSC بزرگ‌ای زمین‌لرزه را ۶.۱ و USGS آن را ۵.۹ اعلام کرد. زمین‌لرزه‌ها و گسل‌های فعال در شرق افغانستان و غرب و شمال پاکستان نتیجه حرکت ورقه هند به سمت شمال با سرعت حدود ۴۰ میلی‌متر در سال و برخورد با ورقه اوراسیاست. در امتداد لبه شمالی شبه‌قاره هند، ورقه هند در زیر ورقه اوراسیا فرو می‌رود و باعث بالآمدن بلندترین قله‌های کوه در جهان ازجمله رشته‌های هیمالیا، قره‌قروم، پامیر و هندوکش می‌شود. در غرب و جنوب جبهه هیمالیا، حرکت نسبی بین دو ورقه مایل است که منجر به زمین‌لرزه‌های امتدادلغز، معکوس و زمین‌لرزه‌های مایل می‌شود. الگوی امواج الاستیک زلزله ۲۱ ژوئن ۲۰۲۲ نشان می‌دهد این رویداد عمدتا گسلش امتدادلغز بوده است. زمین‌لرزه ۲۱ ژوئن ۲۰۲۲ در حدود ۵۰۰کیلومتری شمال‌شرق زمین‌لرزه مرکبار با بزرگای ۶.۴ است که در ۱۰ اکتبر ۲۰۰۸ در غرب پاکستان رخ داد و ۱۶۶ نفر را کشت و چندین روستا را بر اثر رانش زمین ویران کرد. افغانستان یک منطقه پیچیده از نظر زمین‌ساختی است که در نتیجه برخورد ورقه اوراسیا و ورقه هند در جنوب‌شرقی و ورقه عربستان در جنوب ایجاد شده است. ۲۲ گسل فعال در افغانستان معرفی شده است. چهار ناحیه‌کل به‌عنوان پهنه‌های اصلی لرزه زمین‌ساختی وجود دارد: ۱- شرق-شمال شرقی، ۲- شمال افغانستان- پامیر، ۳- سکوی شمال افغانستان و ۴- میانه و جنوب غربی افغانستان. پهنه لرزه‌های شرق-شمال‌شرق فعال‌ترین ناحیه لرزه‌خیز بوده و زمین‌لرزه‌های بیشتر و ژرف‌تری در آن رخ می‌دهند.